



پرورش ذوق عامه در عصر قاجار (مطالعه موردی: نقاشی و معماری)^۱

سیده هدی پورمانی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۵

چکیده

این مقاله به بررسی تأثیر هنر و معماری در پرورش ذوق عامه در عصر قاجار می‌پردازد. در این دوره، هنر و معماری به عنوان دو عنصر اساسی در شکل‌دهی به ذوق و سلیقه عمومی جامعه نقش ویژه‌ای ایفا کردند. پژوهش حاضر با تمرکز بر ویژگی‌های منحصر به فرد هنری و معماری قاجاری، به معرفی عناصر برجسته‌ای می‌پردازد که در شکل‌گیری ذوق و سلیقه مردم تأثیرگذار بودند. پرسشی که این تحقیق بر آن است پاسخ‌دهنده، این است که چگونه هنر و معماری عصر قاجار از طریق بازتاب مفاهیم فرهنگی و اجتماعی بر ذوق عمومی مردم تأثیر گذاشته است؟ آثار هنری و معماری این دوره نه تنها در پرورش ذوق عامه مؤثر بودند، بلکه در جذب گردشگران و جلب توجه به زیبایی‌های فرهنگی کشور نیز نقش بسزایی ایفا کردند. معماری در این دوره پیشرفت‌های شگرفی را تجربه کرد و بناهایی با طرح‌های زیبا و باشکوه ساخته شدند که تا امروز نماد هنر و ذوق مردم آن دوران به شمار می‌روند. پژوهش حاضر از نوع کاربردی است و با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی این موضوع پرداخته، و گردآوری مطالب آن از طریق منابع کتابخانه‌ای انجام شده است.

واژه‌های کلیدی: عصر قاجار، هنر، معماری، نقاشی، ذوق عامه.

^۱ - پورمانی، سیده‌هدی (۱۴۰۳). پرورش ذوق عامه در عصر قاجار (مورد مطالعه نقاشی و معماری در این عصر)، فصلنامه تحقیقات تاریخ ایران

دوره / اسلامی، سال اول، شماره دوم، تهران: ص ۳۹-۶۳.

^۲ - دانشجو دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات. پست الکترونیکی: hpourmani@yahoo.com.

مقدمه

سیر نقاشی و معماری در ایران در روند تاریخی خود، شامل دوره‌ها، نمونه‌ها و سبک‌های متنوعی است که به لحاظ جایگاه و ارزش‌هایشان همواره مرکز توجه متفکران و هنرمندان داخلی و خارجی بوده است. در دوران قاجار، هنر و معماری به عنوان ابزاری برای انتقال مفاهیم فرهنگی و اجتماعی، تأثیر زیادی بر ذوق عمومی مردم داشت. در این دوره، هنرمندان و معماران بسیاری آثاری خلق کردند که به عنوان نمادی از زیبایی و باشکوهی فرهنگ و تمدن ایران شناخته می‌شوند. در نقاشی‌های این دوره، تکنیک‌های رنگ‌آمیزی، نورپردازی و نحوه استفاده از رنگ‌ها بسیار مهم بود. آثار هنری این دوره، به خاطر ترکیب زیبای رنگ‌ها و نورپردازی‌های مناسب، بسیار جذاب و جذب‌کننده بودند. در این دوره، اصلاحاتی در سبک‌های نقاشی و معماری ایرانی صورت گرفت که تأثیر بسزایی در هنر این دوره گذاشت. در این مقاله، به بررسی آثار هنری و معماری این دوره، تکنیک‌های استفاده شده در آن‌ها، تأثیر آثار بر پرورش ذوق عامه و احساس هنری مردم، و نقش هنر و معماری در پرورش ذوق عامه در عصر قاجار پرداخته شده است. در دوران قاجار، هنر و معماری نه تنها به عنوان ابزارهایی برای زیبایی‌شناسی بلکه به عنوان وسایلی برای انتقال مفاهیم فرهنگی، اجتماعی و مذهبی عمل می‌شد (نظری، ۱۳۸۴). در این دوران شاهد تحولات قابل توجهی در حوزه‌های مختلف هنری از جمله نقاشی، معماری و طراحی‌های شهری بود که نقش عمده‌ای در شکل‌دهی به ذوق عمومی ایفا شد (حسینی، ۱۳۹۵). تغییرات در معماری و طراحی فضاهای عمومی، همچون کاخ‌ها و بناهای مذهبی، تأثیر زیادی بر ذهنیت و سلیقه مردم داشت و باعث تغییر در نگرش عمومی نسبت به هنر و زیبایی شد (کریمی، ۱۳۸۹). در این راستا، هنر و معماری قاجار به طور غیرمستقیم در پرورش ذوق عامه و شکل‌دهی به هویت فرهنگی آن دوران تأثیرگذار بودند.

از آنجا که این هنر، اصول و مبانی مختلف نظری، بصری و یا زیبایی‌شناختی را داراست، زمینه‌های مختلف تحقیق می‌تواند ابعاد جدیدی از این هنر را بشناساند. در این بین نقاشی‌های دوره قاجار، از جایگاه بخصوصی برخوردارند (شایسته، ۱۳۸۰). رویکرد دنیای غرب طی قرون ۱۸ و ۱۹ میلادی به مفاهیم و نگرش‌های نوین سبب شد تا جهان در آستانه شگرف واقع شد. ایران نیز از این دوره تحت نفوذ عوامل متعددی در یک استحال تاریخی رو به سوی فرهنگ و نگرش غرب کرد. در این میان هنر و بخصوص نقاشی دستخوش تغییرات بسیار گردید. ریشه‌های نقاشی قاجار را بدون تردید باید در نگارگری ایران جستجو کرد، پس از دوره صفوی همزمان با مراودات سیاسی و فرهنگی با دنیای غرب در ابتدا به تقلیدهای سطحی از مشق‌های مغرب زمین پناه برد، اما با رونق یافتن بازار هنر در دوره کریم‌خان زند، دوباره احیا شد. مکتب نقاشی قاجار شامل تلفیق تکنیک مینیاتورهای دیوارهای دوره صفوی و نقاشی کلاسیک اروپا بود. به ترتیبی که در آغاز مایه ایرانی در آن بیشتر بوده و به تدریج جای خود را به حضور سبک واقع‌گرایی اروپا بخشیده است. بدین ترتیب از مرحله گذار (۱۳۱۳-۱۲۶۴ه.ق) (۱۸۹۷-۱۸۴۸ه.ق) به بعد نقاشی ایرانی سیری از سنت به تجدد و از ذهن به عین را در مسیری نوین پیموده است. (جمشیدی، ۱۳۸۷).

در دوره قاجار، هنر و معماری به عنوان ابزارهای قدرتمند برای بازنمایی هویت فرهنگی و ترویج ایدئولوژی حاکم مطرح شدند (ملکی، ۱۳۹۱). ویژگی‌های خاص معماری این دوره، مانند استفاده از کاشی‌های هفت‌رنگ، تزیینات مقرنس و نقاشی‌های دیواری، علاوه بر ایجاد زیبایی بصری، به ترویج الگوهای فرهنگی در میان عموم مردم کمک می‌کردند (حسینی، ۱۳۸۹). از سوی دیگر، ظهور بناهای شاخصی همچون کاخ گلستان و مسجد سپهسالار نشان‌دهنده هم‌افزایی میان نیازهای کاربردی و جلوه‌های هنری بود که به شکلی مؤثر در فرهنگ بصری توده مردم نقش‌آفرینی کردند (کریمی، ۱۳۹۲). در این میان، حمایت دربار از هنرهای تزیینی موجب گسترش مفاهیم زیبایی‌شناسی در لایه‌های مختلف اجتماعی شد (رضایی، ۱۳۹۴). این عناصر هنری و معماری در کنار یکدیگر، نه تنها بازتاب‌دهنده هویت فرهنگی و سیاسی دوران قاجار بودند، بلکه به تدریج در شکل‌دهی به ذوق و سلیقه عمومی مردم نیز نقشی انکارناپذیر ایفا کردند.

اهمیت پژوهش

بررسی تأثیر هنر و معماری عصر قاجار بر پرورش ذوق عامه از جنبه‌های مختلف تاریخی، فرهنگی و هنری یکی از موضوعات ارزشمند در مطالعات تاریخ هنر ایران به‌شمار می‌آید. این دوره به دلیل ترکیب سنت‌های هنری ایرانی با الگوهای جدید غربی، نقطه عطفی در تحول معماری و هنرهای تزیینی محسوب می‌شود. کاخ‌ها، مساجد، بازارها و خانه‌های تاریخی این دوران با تزیینات ظریف و جزئیات هنری خیره‌کننده، نه تنها به عنوان آثار معماری، بلکه به عنوان رسانه‌های فرهنگی عمل می‌کردند که مفاهیم اجتماعی، سیاسی و حتی ایدئولوژیک را به تصویر می‌کشیدند. عناصر هنری مانند کاشی‌کاری‌های هفت‌رنگ، مقرنس‌های پیچیده، نقاشی‌های دیواری و تزیینات گچ‌بری که در بناهای قاجاری به کار رفته‌اند، نشان‌دهنده تلاشی هدفمند در زیباسازی فضاهای عمومی و خصوصی هستند. این آثار فراتر از جنبه‌های تزیینی، نقش مهمی در شکل‌دهی به ذوق عمومی جامعه و ترویج الگوهای بصری خاص ایفا کردند. از سوی دیگر، حمایت دربار قاجار از هنر و هنرمندان باعث شد تا هنرهای تزیینی در این دوره گسترش یابد و مردم عادی نیز تحت تأثیر این تغییرات فرهنگی قرار گیرند.

در این میان، مطالعه آثار هنری و معماری این دوره می‌تواند به فهم بهتر از چگونگی شکل‌گیری ذوق عمومی مردم و تکوین فرهنگ بصری جامعه در آن زمان کمک کند. همچنین، بازخوانی این عناصر هنری می‌تواند الهام‌بخش طراحان و معماران معاصر در احیای هویت بومی در آثار هنری و معماری امروز باشد. با توجه به اهمیت بررسی میراث فرهنگی و ضرورت شناخت تأثیر هنر و معماری بر فرهنگ بصری جامعه، این پژوهش هم از اهمیت علمی، هنری و فرهنگی برخوردار است و هم به دلیل کمبود مطالعات دقیق در این زمینه، دارای ضرورت پژوهشی است.

پیشینه تحقیق

در بررسی هنر و معماری عصر قاجار، منابع مختلف به جنبه‌های متفاوتی از این موضوع پرداخته‌اند. در این میان، یکی از مهم‌ترین مطالعات در این زمینه، اثر نیک‌روش (۱۳۹۰) است که تأکید دارد هنر قاجار بیشتر به عنوان ابزاری

برای مشروعیت‌بخشی به قدرت سیاسی و اجتماعی حاکمان مورد استفاده قرار می‌گرفته است. این دیدگاه، هنرهای تزئینی و معماری دوره قاجار را ابزاری در دست دربار می‌داند تا هویت سیاسی و فرهنگی خود را در برابر قدرت‌های خارجی و داخلی تثبیت کند. در مقابل، کریمی (۱۳۹۲) به بررسی تأثیرات هنر قاجار بر طبقات مختلف اجتماعی پرداخته و معتقد است که هنر در این دوره تنها در اختیار دربار نبوده و توده‌های مردم نیز تحت تأثیر آن قرار گرفته‌اند. او بر نقش هنر در ارتباطات اجتماعی و فرهنگی تأکید می‌کند و می‌گوید که تزئینات شهری و معماری تأثیر مستقیمی بر سلیقه و ذوق عمومی مردم داشته است. در مطالعات حسینی (۱۳۸۹)، او به نقش هنر قاجار در تکامل فضاهای عمومی، مانند بازارها و مساجد، پرداخته و نشان می‌دهد که این فضاها نه تنها محل تبادل کالا و خدمات بودند، بلکه به‌عنوان فضاهایی برای انتقال مفاهیم فرهنگی و مذهبی نیز عمل می‌کردند. در حالی که صالحی (۱۳۹۲) با توجه به جنبه‌های مذهبی هنر قاجار، معتقد است که آثار هنری این دوره بیشتر از آن که به توده‌های مردم نزدیک باشد، به نخبگان دینی و فرهنگی مرتبط بوده است. این نظر تفاوت عمده‌ای با دیدگاه‌های قبلی دارد که بیشتر بر تأثیر هنر بر ذوق عمومی تأکید دارند. رضایی (۱۳۹۴) نیز در پژوهشی دیگر به بررسی شیوه‌های معماری در قاجار پرداخته و نقش معماری در بازنمایی قدرت سیاسی و دینی را بررسی کرده است. او اشاره می‌کند که معماری این دوره به‌ویژه در کاخ‌ها و بناهای دولتی، بیشتر بر نمایش عظمت و اقتدار سلطنت تمرکز داشت. در حالی که احمدی (۱۳۸۷) بر تأثیرات فرهنگی هنر قاجار در سطح جامعه عمومی تأکید دارد و معتقد است که در این دوره، هنر به‌عنوان وسیله‌ای برای ارتباط با مردم و شکل‌دهی به ذوق عامه استفاده می‌شده است.

در مجموع، منابع مختلف در پیشینه تحقیق، نظرات متفاوتی در خصوص تأثیر هنر و معماری قاجار بر ذوق عامه و سلیقه عمومی مردم ارائه می‌دهند. از یک سو، برخی پژوهش‌ها مانند کار نیک‌روش و کریمی هنر قاجار را بیشتر به‌عنوان ابزاری برای مشروعیت‌بخشی به قدرت سیاسی و اجتماعی می‌بینند، در حالی که منابعی مانند حسینی و صالحی بیشتر بر تأثیرات اجتماعی و فرهنگی هنر در سطح مردم تأکید دارند. این اختلافات در دیدگاه‌ها می‌تواند نقطه شروعی برای پژوهش شما باشد تا نشان دهید که هنر قاجار چگونه به‌طور همزمان هم به‌عنوان ابزاری برای مشروعیت‌بخشی به حکومت و هم به‌عنوان عاملی مؤثر در شکل‌دهی به ذوق عامه عمل کرده است.

تاریخ نقاشی و معماری در عصر قاجار

در عصر قاجار، نقاشی و معماری به عنوان دو هنر بسیار مهم و پرطرفدار بودند. در این دوره، اصلاحاتی در سبک‌های نقاشی و معماری ایرانی صورت گرفت که تأثیر بسزایی در هنر این دوره گذاشت. نقاشی در عصر قاجار، به دو شکل مختلف توسعه یافت: نقاشی دیواری و نقاشی روی پارچه. در نقاشی دیواری، موضوعات اساسی آن شامل طبیعت، حیوانات، جنگل‌ها، باغ‌ها و زندگی روستایی بود. در نقاشی روی پارچه نیز، موضوعات مشابه به کار گرفته می‌شد اما با بیشترین تمرکز بر روی تصاویر زنان و لباس‌هایشان بود. در معماری نیز، تغییرات قابل توجهی صورت گرفت. معماران قاجار با استفاده از سبک‌های معماری ایرانی و اروپایی، ساختمان‌های شگفت‌انگیزی را

ایجاد کردند. در این دوره، بناهایی مانند عمارت نیاوران، عمارت گلستان، عمارت سعدآباد و عمارت شمس‌العماره بنا شدند. به طور کلی، هنر نقاشی و معماری در عصر قاجار به دلیل تأثیرات فرهنگی و اجتماعی بسیار پویا بود. این هنرها نشان‌دهنده زیبایی و تنوع فرهنگی ایران در آن دوره بودند. قدیمی‌ترین نقاشی‌ها در دنیا متعلق به حدود ۳۲۰۰۰ سال قبل می‌باشد که در گروانه شاوه فرانسه قرار دارد. این نقاشی‌ها که با استفاده از افرای قرمز و رنگ دانه‌های سیاه حکاکی و رنگ شده‌اند، تصاویری از ابرها، کرگدن‌ها، شیرها، بوفالوها و ماموت‌ها را نشان می‌دهند. این‌ها نمونه‌هایی از نقاشی‌ها در غارها هستند که در تمام دنیا وجود دارند (جمشیدی، ۱۳۸۷).

تاریخ نقاشی و معماری در ایران (قبل از اسلام)

قدیمی‌ترین آثار نقاشی ایران بر دیوارهای غار لرستان به دست آمده که بیش از ۱۲ هزار سال پیش قدمت دارد اما بیشتر نقاشی‌های به دست آمده ایران روی سفالینه‌ها است. نقش‌هایی که در سیلک کاشان و شوش بر سفالینه‌ها به دست آمده، شکل‌هایی از حیوانات و طبیعت، که بسیار ساده و هندسی ترسیم شده‌اند با توجه به اینکه خط از نقاشی به وجود آمده، این نقش‌ها هم چیزی شبیه خط بوده‌اند (جمشیدی، ۱۳۸۷).

سال	نام محقق	عنوان اثر و ناشر	مباحث اصلی
۱۳۷۹	شاهرخ مکسوب	درباره تاریخ نقاشی قاجار. کاوش قلم	(۱) بررسی سابقه نقاشی قاجار (۲) بررسی تکنیک‌های نقاشی قاجار
۱۳۸۸	سیما ستوده	مقاله تاریخ نقاشی در ایران (قبل از اسلام). اینترنت	بررسی آثار نقاشی در دوره‌های تاریخی معماری ایران از جمله هخامنشی، سلوکی، اشکانی و ساسانی
۱۳۷۸	شاهرخ مکسوب	درباره تاریخ نقاشی قاجار- تهران کاوش قلم	بررسی آثار نقاشی قاجار، سبک‌های نقاشی قاجار
۱۳۸۸	سید محسن حاج سید جوادی	هنرهای دوره قاجاریه تهران- انتشارات سمت	بررسی شیوه نقاشی دوران قاجار
۱۳۸۴	مرنضی گودرزی	تاریخ نقاشی ایران تهران- انتشارات سمت	بررسی اصول، مبانی و الگوهای نقاشی ایران
۱۳۸۲	بهنام جلالی جعفری	نقاشی قاجاریه (نقد زیباشناسی) تهران- کاوش قلم، چاپ اول	بررسی جریان‌های هندسی ایران و کشورهای شرقی در دوره قاجار اعم از معماری، نقاشی، موسیقی، نگارگری، تذهیب و...
۱۳۷۹	رویین پاکباز	نقاشی ایران از دیروز تا امروز تهران- نشر نارستان	بررسی موضوعات پُر اهمیت نقاشی دوره قاجار

(منبع: نگارنده ۱۳۹۷)

تاریخچه نقاشی و معماری ایران در عصر قاجار

نقاشی ایران فاقد نقاشی‌هایی با پیشینه کهن است و از این رو اظهارنظر در مورد آن مشکل است. نقاشی صفحات کتاب مانویان تنها نمونه قدیمی نقاشی ایران است. مانویه را می‌توان مخترع شیوه مینیاتور یا فن تصویر کتب خطی در ایران دانست. شیوه نقاشی پیروانمانی، دنباله هنر ساسانی در رشته نقاشی است، نمونه کتاب‌های مصور شده دوره

ساسانی به دست نیامده ولی در منابع کتبی از آن یاد شده است. در ایران نقاشی‌های دیواری متعلق به پیش از اسلام درکوه خواجه سیستان و بیشاپور پیدا شده است، آثار این دوره بیشتر طراحی و نقوش برجسته روی سنگ‌هاست، مجسمه‌ساز آن را برجسته کرده است. از تکنیک موزاییک‌کاری نمونه‌هایی باقی مانده است. اما در این ادوار نقاشی روی بوم یا نقاشی کتاب (مصورسازی) نمونه‌ای ندارد. در دوران پیش از مغول نقاشی ایران را می‌توان فترتی دانست میان شیوع علامت‌نگاری ساسانی و دوران جدید شکوهمند نقاشی را ادامه سنت نقاشی تعدیل شده ساسانی دانسته‌اند و آن را به شیوه اکسپرسیونیست هنر ایرانی توصیف کرده‌اند (پاکباز، ۱۳۷۹: ۱۰). در زمان ایلخانیان ارتباط با کشور چین تأثیرات عمیقی را سبب می‌شود که هنر چین بر هنر ایران نهاد، نقاشی چینی به علت سکون و بی‌حرکی و بدون حالت چهره‌ها و عدم استفاده از خطوط در چهره برای بیان حالت زمینه مناسبی برای نقاشی ایران در آن روزگار شد و مایه نقاشی ایران گشت. از لحاظ تاریخی مهم‌ترین جریان تکامل نقاشی ایران اقتباس طراحی و رنگ‌آمیزی و مجلس‌سازی چینی و تطبیق آن با ادراک خاص هنرمندان ایرانی از فضا و اشکال طبیعی بود. این اقتباس در مدت دو قرن به دست آمده، دوازده نقاش زبردست تکمیل شد. قدیمی‌ترین این نقاشان احمد موسی بود که افسانه‌های بید پای مضبوط در مرقع اسلامبول را مصور کرده است. این هنرمند گل‌ها و درخت‌ها و چمن و پرندگان و جانواران کار استادان چینی را در باغی ایرانی نقش کرده است (همان، ص ۱۲). عامل مهم در شکوفایی نقاشی، پادشاهان تیموری و صفویه هستند که مراکز مهم هنری در زمان خود تأسیس کرده و هنرمندان را گرد هم آوردند. دوستدار هنر و خود نیز هنرمند بودند. در دوره صفویه بر اثر مرآده شاه‌عباس با اروپاییان نفوذ هنر اروپا در ایران شیوع می‌یابد و در این دوره هنرمندان بیش از پیش به تصویر تک صورت پرداختند و این صورت‌ها در مجموعه‌های نقاشی و خطاطی یا مرقعات جمع و ضبط می‌شد. علاقه به تک چهره‌سازی روی متن صفحه روز افزون بود این دوره برخلاف عهد تیموریان که کمال فنی کتاب مطرح بود، علاقه به هنر برای هنر را رواج داد. در این دوران مصورسازی کتاب و رابطه نقاشی با ادبیات از بین می‌رود و هر چه جلوتر می‌آییم تأثیرات هنر اروپا را واضح‌تر مشاهده می‌کنیم. در این دوران رفت و آمد هنرمندان خارجی و ایرانی و خرید تابلوهای اروپایی از طرف پادشاهان صفویه یا هدایای سفرای خارجی برای شاهان صفویه، گرایش‌های جدیدی را در هنر نقاشی ایران به وجود آورد. کم‌کم توسط نقاشی‌های اروپایی و سفر نقاشان ایرانی به خارج، رعایت آناتومی و پرسپکتیو در نقاشی ایرانی باب می‌شود اگر چه موضوع و سوژه کار هنوز ایرانیست، گرایش به سوی نقاشی اروپایی به اوج خود رسیده است، اما پایه و اساس آکادمیک ندارد (وزیری، ۱۳۶۹: ۵۰). کمال‌الملک نقاشی است که نقاشی کلاسیک اروپا را عیناً به ایران وارد کرد و مکتب نقاشی اروپایی را به طور آکادمیک و اصولی در ایران پیاده می‌کند، ولی روحیه مینیاتور ریستیتی خود را حفظ کرده است. پس از آن متفاوتی در نقاشی ایران پدیدار می‌شود و تحت تأثیر تحولات هنری اروپا قرار می‌گیرد و این دوران بی‌هویتی هنر نقاشی و بی‌تکلیفی نقاشان ایرانی است. در مقابل هجوم و سلطه هنر غربی بعضی از هنرمندان به سنت‌های گذشته رو می‌آورند، که غالب آنها در اصفهان بوده‌اند. (خانواده امامی حاجی اسلامیان) که ایشان می‌کوشند تکنیک قدما را با تأثیرات هنر غربی و دستاوردهای آن تلفیق نمایند و به حل مسائل

پرسپکتیو و آناتومی که در نقاشی ایران دید خاص خود را دارد پردازند دیدی که براساس جهان‌بینی و معانی سمبولیک ایرانیان پی‌ریزی شده و به هیچ‌وجه نشانه ضعف یا عدم آگاهی ایشان از این مسائل نیست، بلکه «خو است» است (زکی، ۱۳۷۲: ۵۶).

در این دوره، معماری ایران با ساخت عمارت‌های بزرگ و باشکوهی همچون عمارت نیاوران، عمارت گلستان و عمارت شمس‌العماره به اوج خود رسید. در این دوره، نقش‌های دیواری و روی پارچه با موضوعات طبیعت، حیوانات و زنان نیز ساخته شدند.

در دوره قاجار، معماری ایران با ساخت عمارت‌های بزرگ و باشکوهی همچون عمارت نیاوران، عمارت گلستان و عمارت شمس‌العماره به اوج خود رسید. این عمارت‌ها با استفاده از سنگ‌های قیمتی مانند مرمر، سنگ سفید تراورتن و سنگ آهک ساخته شده بودند و با طرح‌های هنری زیبا و نقش‌های دیواری پوشیده شده بودند. عمارت نیاوران، یکی از مشهورترین عمارت‌های دوره قاجار است که در شمال تهران قرار دارد. این عمارت با استفاده از سنگ‌های قیمتی مانند مرمر و سنگ تراورتن ساخته شده است و با طرح‌های هنری زیبا و نقش‌های دیواری پوشیده شده است. عمارت نیاوران در حال حاضر به عنوان یک موزه بازدیدکنندگان را به خود جذب می‌کند. عمارت گلستان نیز یکی دیگر از عمارت‌های مشهور دوره قاجار است که در مرکز تهران قرار دارد. این عمارت با استفاده از سنگ‌های قیمتی مانند مرمر و سنگ تراورتن ساخته شده است و با طرح‌های هنری زیبا و نقش‌های دیواری پوشیده شده است. عمارت گلستان در حال حاضر به عنوان یک موزه بازدیدکنندگان را به خود جذب می‌کند. عمارت شمس‌العماره نیز یکی از عمارت‌های بزرگ دوره قاجار است که در شیراز قرار دارد. این عمارت با استفاده از سنگ‌های قیمتی مانند سنگ آهک ساخته شده است و با طرح‌های هنری زیبا و نقش‌های دیواری پوشیده شده است. عمارت شمس‌العماره در حال حاضر به عنوان یک موزه بازدیدکنندگان را به خود جذب می‌کند.

به طور کلی، عمارت‌های دوره قاجار با استفاده از سنگ‌های قیمتی و طرح‌های هنری زیبا ساخته شده بودند و نقش‌های دیواری پوشیده شده بودند که این عمارت‌ها به عنوان موزه‌ها و جاذبه‌های گردشگری مهم در ایران شناخته می‌شوند.

نگاهی به نقاشی قاجار

نقاشی قاجار

سابقه نقاشی قاجار به دوره‌های پیشتر یعنی به اواخر صفویه و مخصوصاً دوران زندیه می‌رسد. در دوره سلسله صفوی و در زمان شاه‌عباس (قرن ۱۷-۱۶م) رابطه ایران با اروپا توسعه زیادی می‌یابد. در داخل، ایران از یک دوره ثبات طولانی، حکومت مرکزی با قدرت و رونق اقتصادی برخوردار است. شاه‌عباس در شمال‌شرقی دشمنی ازبک‌ها را از بین برده و آنها را سرکوب کرده بود. در مغرب ایران هم با ترکان عثمانی به نوعی صلح مسلح رسیده بود که

خیال او را از مرزهای غربی کشور آسوده می‌داشت. مجموعه این عوامل به دستگاه دولت وقت اجازه می‌داد که تمام تلاش و کوشش خود را صرف آبادانی، ساختن کشور و رونق اقتصادی کند. امپراطوری عثمانی در مشرق با ایران و در مغرب با جمهوری و نیز و در کشورهای اروپایی برخورد و کشمکش‌های طولانی داشت. در نتیجه هم به علت‌های اقتصادی و هم به علت‌های نظامی (در مقابله با امپراطوری عثمانی) ایران و کشورهای اروپایی علاقه‌مند به توسعه روابط با یکدیگر بودند، مخصوصاً باید یادآوری کرد که در آن موقع کشورهای مثل هلند، پرتغال، انگلستان و... به دلایل اقتصادی و فرهنگی شروع به خروج از اروپا، توجه به مشرق و دست‌اندازی به کشورهای آسیایی کرده بودند (مکسوب، ۱۳۷۹: ۴۱۶). در قرن ۱۷ روابط ایران با اروپا به حدی رسید که تا آن زمان به کلی برای دو طرف بی سابقه بود. این روابط متنوع، همه جانبه و از جمله هنری و فرهنگی بود (همان، ص ۴۲۲). در کنار نقاشی سنتی ایران یعنی مینیاتور که در حال شکفتگی و کمال بود، نقاشی دیواری (دیوارنگاره) هم به دربار راه یافت. زندگی پرشکوه و با تجمل درباری خواستار تزیین قصرهای گوناگونی بود که در اصفهان، قزوین و شهرهای دیگر ساخته می‌شد. مینیاتور بیشتر در خدمت تزیین کتاب بود، کاخ چهلستون تحت تأثیر نقاشی اروپا (رنسانس متأخر) و اکثراً به دست نقاشان همان سرزمین نقاشی شد. صحنه‌ها، مجالس پذیرایی و بزم شاهانه، ورود سفیران جنگ، رقص و باده‌گساری جز این‌ها بود (همان، ۴۰۹). گذشته از کاخ‌های شاهی مثل عالی‌قاپو، هشت‌بهشت و غیره و خانه‌های بزرگان و اشراف که دیوارها و سقف آنها با تصویر یا نقش پرندگان و گل و بته تزیین می‌شد، در همین دوره کلیساهای جلفا، شهر کوچک ارمنی‌نشین در کنار پایتخت (اصفهان) هم به وسیله نقاشان مسیحی تصویر می‌شد. طبعاً در اینجا نقش‌ها معمولاً نمودار صحنه‌های زندگی مسیح و داستان‌ها و وقایع کتاب مقدس بود (میربها، ۱۳۵۰: ۲۳). در این دوره نقاشان هلندی در اصفهان مدرسه نقاشی دائر کرده بودند و هنر خود و شگردهای آن را به شاگردان ایرانی می‌آموختند. از طرف دیگر می‌دانیم که محمد زمان نامی در دوران پادشاهی شاه عباس دوم با تقلید از نقاشان ایتالیائی آثار بدیع و ارزشمندی به وجود آورد (همان، ص ۲۷). نقاشی این دوره به نوعی تعادل در پیوند میان نقاشی سنتی ایران و نقاشی اروپائی می‌رسد. استنباط نقاش ایرانی از فرم و دید او از عالم خارج با شیوه‌های تجسم اروپایی جور می‌شود. ولی در هر حال ورود شیوه اروپائی و تأثیر آن به اندازه‌ای است که علی‌قلی‌بیک از اهالی ارومیه و معروف‌ترین نقاش دوره بعد (دوره نادرشاه)، معروف به «فرنگی» است. ظاهراً از آثار او چیزی باقی نمانده، شاید برای اینکه در زمانی بسیار پرآشوب زندگی می‌کرد، ولی خود شهرت او با معنی و نشان‌دهنده تصویری است که از هنر او داشتند (تاجبخش، ۱۳۸۰: ۴۲). پس از یک دوره نسبتاً طولانی پریشانی سیاسی، نظامی و اجتماعی (اواخر صفویه، دوره افغان‌ها و افشاریه) در نیمه دوم قرن ۱۸ دست‌کم برای سی سال در قسمت‌های بزرگی از ایران ثبات، امنیت و آسایشی پدید می‌آید، منظور حکومت کریم‌خان زند (۱۱۶۴/۱۱۸۹ هـ) و تشویق او از هنرمندان و صنعتکاران و ارباب حرفه‌هاست. در زمان او ادبیات، معماری و نقاشی تحول و رونق زیادی پیدا کرد، مخصوصاً در شهر شیراز پایتخت زندیه، در این زمان هنر تصویری به غیر از کشیدن تابلو، عبارت بود از نقاشی روی شیشه، قاب آینه، گل و بوته روی قلمدان، کاشی و میناکاری و تذهیب (تاجبخش، ۱۳۸۰: ۵۸). از میان بزرگ‌ترین نقاشان این عصر می‌توان

میرزابابا و محمدصادق را نام برد که آثار آنها بیشتر مربوط به اواخر زندیه و اوائل قاجاریه است. در میان آثار بازمانده از میرزابابا باید از تابلو «هرمزد چهارم» تصویر خیالی پادشاه ساسانی (پیش از اسلام) نام برد. شاه برخلاف شاهان و شاهزادگان زمان نه بر زمین بلکه بر صندلی بزرگ و تخت ماندنی نشسته با چکمه و تاجی به کلی متفاوت از تاج پادشاهان زمان نقاش ولی با لباس عصر نقاش، با کمر بند و ترکش و شمشیر مرصع و گردن بند و حمایل جواهر نشان. دو تن از ندیمان درباری پشت سر شاه ایستاده اند و گل به دست دارند. کلاه یکی به شکل تاج و شبیه مال پادشاه است و دیگری دستار به سر دارد. از همین میرزابابا یک تابلو «طبیعت بی جان» در موزه نگارستان تهران وجود دارد که از نظر قریه سازی، دید قراردادی از طبیعت، رنگ ها و کاربرد گل و بته های تزینی از نمونه های معروف نقاشی آن زمان و آغاز قاجاریه است. تصویر شاهزاده زند- نقاش ناشناخته- از نظر چهره پردازی، رنگ های چشم نواز و تزینی (طیف های مختلف قرمز به اضافه سبز زنگاری) لباس، قبا و شال و دشنه نمونه جالب و تمام عیار نقاشی آخر زندیه و دارای تاریخ ۱۲۰۸ هجری (۱۷۹۳-۴) است (گودرزی، ۱۳۸۴: ۸۲). در پایان قرن ۱۸ و آغاز قرن ۱۹ بار دیگر ایران دوره ای پر آشوب را می گذراند. سلسله زند سقوط می کند و سلسله قاجار جای آن را می گیرد. سال های اول سلسله جدید و پادشاهی مؤسس آن، آقامحمدخان تمام به جنگ و لشکر کشی، سرکوبی مخالفان و ایجاد وحدت کشور می گذرد. از این گذشته ظاهراً مؤسس سلسله برای امور هنری اشتیاق و ذوقی درخور نمی داشت. نقاشی و زندگی هنری دربار قاجار در حقیقت از دومین پادشاه این خاندان شروع می شود؛ فتحعلی شاه بیش از سی و پنج سال سلطنت کرد (۱۲۴۹-۱۲۱۳) به جز زمان جنگ های ایران و روس، کشور نسبتاً آرام و بی تلاطم بود. فتحعلی شاه شخصاً بسیار دوستدار تجمل و شکوه بود. خود را، به تقلید از پادشاهان ایران باستان، شاهنشاه می نامید و به عظمت آنها تظاهر می کرد. ظاهراً به تقلید از طاق بستان کرمانشاه و صحنه شکار خسرو پرویز، گفته بود تا نقش شکار او را در چشمه علی (نزدیک تهران)، استان فارس و جاهای دیگر بر سنگ بنگارند. در میان مهم ترین کارهای فتحعلی شاه باید از باغ، نقاشی های دیواری و بنای قصر قاجار، که بر سر راه تهران به قلعه قرار داشت، نام برد. این مجموعه که در زمان خود تحسین همه بازدیدکنندگان را برمی انگیزت متأسفانه بر اثر بی اعتنائی ناصرالدین شاه متروک و سپس ویران شد (اتینگهاوزن، ۱۳۷۹: ۳۵۷). نقاشی دوره قاجار را که از اول قرن ۱۹ شروع می شود و تا اوائل قرن بیستم ادامه می یابد، می توان به دو دوره کلی تقسیم کرد. از آغاز تا اواخر سلطنت ناصرالدین شاه یعنی تا سال های ۱۸۹. نقاشی کلاسیک دوره قاجار درباری است. شاید این نخستین نکته ای باشد که در این نقاشی جلب توجه می کند. «بازار» هنر به معنای اخیر وجود ندارد. برخلاف دوره فئودالی اروپا، روحانیت و سازمان های روحانی در ایران مشوق و پرورنده هنر نبودند چون دین اسلام به هنر نقاشی نظر خوشی ندارد. به این ترتیب تنها «خریداری» هنر نقاشی دربار و اشراف دولتی بودند که از هنرمندان، نقاشان، شاعران، موسیقی دانان و... نگهداری کرده وسیله کارشان را فراهم و زندگیشان را تأمین می کردند و در عوض نقاش هم برای آنها کار می کرد (آغداشلو، ۱۳۷۱: ۷۸). در چنین شرایطی نقاش با زندگی روزمره مردم عادی تماس چندانی ندارد، هر چند خود از میان آنها برخاسته باشد. همین شرایط کمابیش «موضوع» نقاشی را معین می کند. وقتی مشتری نقاشی دربار باشد و

نقاش برای دربار کار کند، باید چیزهایی را بکشد که خوشایند یا مورد علاقه دربار است. به همین سبب موضوع تابلوها، تک‌چهره شاه و شاهزادگان و بزرگان دولتی است. رقص و نوازنده که مایه سرگرمی درباریان بودند و در یک کلمه مجالس بزم از موضوع‌های دیگر تابلوهاست. ساختمان‌های اعیانی، باغ‌ها، قصرهای سلطنتی توجه نقاش را برمی‌انگیزد، یا مثلاً صحنه‌های شکار، بازی چوگان و... از میان حیوانات بیشتر آن‌هایی نقاشی شده‌اند که با زندگی درباریان و بزرگان مناسبتی دارند مثل اسب، آهو، تازی و شیر در صحنه‌های شکار، یا پرندگان تجملی مثل طوطی گل، جام، شراب، میوه که در زندگی این خریداران هنر وجود داشت در نقاشی‌ها هم جایی دارد. تار و دایره، ظروف مرصع و منقوش، کاسه و تنگ و گلدان نیز از این قبیل‌اند. گاه و بیگاه صحنه‌هایی از تاریخ یا قصه‌های مذهبی هم نقاشی شده است (همان، ص ۷۹). درباره فن (تکنیک) نقاشی این دوره نیز می‌توان نکات زیر را مطرح ساخت. تابلوهای این عصر معمولاً رنگ و روغن است. در نقاشی سنتی و کلاسیک ایران (میناتور) با رنگ و روغن کار نمی‌شد. این نوع رنگ را ما از نقاشی اروپایی گرفته‌ایم چون مواد رنگی که سابقاً در مینیاتور به کار می‌رفت برای ابعاد کوچک و روی کاغذ مناسب بود نه نقاشی دیواری با ابعاد بزرگ. رنگ‌ها طبیعی بود نه فرآورده شیمیایی یعنی آن را از مواد طبیعی می‌ساختند. آشنایی با کیفیات رنگ به مناسبت آشنایی با هنرها و صنایع مختلف و مهم‌تر از همه قالی‌بافی از قدیم در میان صنعتگران و هنرمندان ایران وجود داشت. رنگ‌ها همان‌طور که یادآوری شد معمولاً طیف‌ها و زمینه‌های قرمز و مخصوصاً قرمز ارغوانی و أخرا، سیاه، سبزه‌های زنگاری و زمردی و ترکیب‌های بینابین، مخلوط قرمز و قهوه‌ای و یشمی و غفائی و به طور کلی رنگ‌های شیرین زنده و شاداب هستند که برای چشم خوشایند و لذت‌بخش‌اند. از رنگ‌های تلخ مرده و خفه و ملال‌آور مثلاً کبود چرک یا خاکستری کدر کمتر نشانی می‌توان یافت (پوپ، ۱۳۷۷: ۱۵۵). از جمله نوآوری‌ها نقاشی این دوره پیدایش دورنماسازی (پرسپکتیو) است که پیش از آن در نقاشی کلاسیک ایران (میناتور) وجود نداشت و نتیجه تأثیر نقاشی اروپائی است در هنر تجسمی این دوره. اگر در زمینه پرده‌ای، دورنمایی وجود داشته باشد معمولاً دارای پرسپکتیو است. گذشته از این، منظره‌ها تقلید از مناظر قرن ۱۶ و ۱۷ نقاشی اروپاست. طبیعی که تقاش تصویر می‌کند، از دید نقاشان اروپایی است، نه از دید خود او و نه طبیعی که خود در آن به سر می‌برد و آن را می‌شناسد. البته این امری عمومی نیست. مثلاً باغ‌هایی که بعضی از استادان بزرگ این عصر مثل محمودخان صبا یا کمال‌الملک (محمدغفاری) (پیش از سفر فرنگ) تصویر کرده‌اند به گمان ما نمونه‌هایی از صورت خیالی^۱ باغ هستند در اندیشه و فرهنگ ایران؛ جوهر و چکیده تصویری که از باغ در خاطره فرهنگی ما وجود داشت (همان، ص ۱۵۷). دوره دوم نقاشی قاجار مقارن با سلطنت ناصرالدین شاه و بعد از آن است. در نیمه دوم قرن نوزدهم تماس ایران به اروپا روزبه‌روز بیشتر و گسترده‌تر می‌شود. از طرف دیگر به علت سیاست استعماری دولت‌های مغرب زمین و مخصوصاً روس و انگلیس، ایران در گردونه تاریخ جهان می‌افتد و سرنوشت آن با سیاست کشورهای دیگر آمیخته می‌شود. مجموعه این عوامل به اضافه تحولات داخلی، دگرگونی‌های اجتماعی بزرگ و عمیقی ایجاد می‌کند که در انقلاب مشروطیت آثار آن به شکل انفجارآمیزی آشکار

می‌گردد. توسعه صنعت چاپ- تأسیس دارالفنون (آموزش به شیوه تازه)، ایجاد ارتش مدرن، پیدایش روزنامه، گسترش افکار دموکراتیک، تماس با فرهنگ غرب و ترجمه ادبیات و علوم اروپائی، تحول در نثر و نظم فارسی، پیدایش عکاسی که خود بیش از نقاشی نشانگر زندگی روزانه مردم آن زمان بود و به ویژه اثر این صنعت در هنر نقاشی، همه کمابیش مربوط به همین دوره و مقارن است با پادشاهی طولانی (۵۰ سال) ناصرالدین‌شاه (ذکرگو، ۱۳۸۲: ۶۲).

مکتب نقاشی و معماری قاجار

مکتب معماری قاجار، یکی از مهم‌ترین مکتب‌های معماری در تاریخ ایران است که در دوره قاجار شکل گرفت. این مکتب با استفاده از سنگ‌های قیمتی و طرح‌های هنری زیبا، عمارت‌های بزرگ و باشکوهی را ساخت که به عنوان موزه‌ها و جاذبه‌های گردشگری مهم در ایران شناخته می‌شوند. طراحی و ساخت عمارت‌های قاجار، با تأثیرات فرهنگی و هنری مختلف، از جمله فرهنگ هند، چین، اروپایی و اسلامی صورت گرفت. عمارت‌های قاجار، با استفاده از سنگ‌های قیمتی مانند مرمر، سنگ سفید تراورتن و سنگ آهک ساخته شده بودند و با طرح‌های هنری زیبا و نقش‌های دیواری پوشیده شده بودند. عمارت‌های قاجار، با وجود زیبایی و شکوهی که دارند، تحت تأثیرات فرهنگی و سیاسی دوران قاجار، مشکلاتی را نیز داشتند. برای مثال، برخی از عمارت‌های قاجار به دلیل بزرگی و شکوهی که داشتند، نگهداری و تعمیر آن‌ها بسیار هزینه‌بر بود و برخی از آن‌ها به دلیل عدم نگهداری، در طول سال‌ها خراب شده و از بین رفته‌اند. با این حال، مکتب معماری قاجار به عنوان یکی از مهم‌ترین مکتب‌های معماری در تاریخ ایران شناخته می‌شود که در طول دوران قاجار، با استفاده از سنگ‌های قیمتی و طرح‌های هنری زیبا، عمارت‌های بزرگ و باشکوهی را ساخت.

به آثار نقاشی اطلاق می‌شود که در دوره زند شروع شد و تا دوره قاجار و کمی پس از آن امتداد یافت. این شیوه به عنوان سبکی منسجم و مکتبی متشکل در نقاشی ایران از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است که همه ویژگی‌های موضوعی و کاربردی یک مکتب نقاشی را دارد. این شیوه بیشتر از تلفیق ویژگی‌های هنر نقاشی سنتی ایرانی با عناصر و شیوه‌هایی از نقاشی اروپایی شکل گرفت. هر چند آثاری نزدیک به این شیوه از دوره صفوی در ایران تا حدی مرسوم بود و «فرنگی‌سازی» نامیده می‌شد، اما ابتدا در دوره زند و در ادامه آن در دوره قاجار شکل مشخص خود را یافت. پرورش هنر نقاشی بیشتر وابسته به دربار بود و شاهان و شاهزادگان مهم‌ترین سفارش‌دهندگان آثار هنری و تنها حامیان هنر بوده‌اند. در روزگار فتحعلی‌شاه سبک «دیوارنگاری» شروع شد. دیوارنگاره‌هایی زیبا از آقامحمدخان و فتحعلی‌شاه در کرج، در خرابه‌های «کوشکی» در نزدیکی مدرسه جدید کشاورزی به خوبی یادآور نقاشی دوره قاجار است. آغاز شیوه نقاشی دوران قاجار را باید در دوران افشار و زند جستجو کرد. اما به سبب کوتاه بودن این دو دوره و ناآرامی‌های مختلف سیاسی و اجتماعی آثار چندانی از دوران‌های افشار و زند بر جای نمانده است. از کتب تصویر شده این دوران می‌توان به تاریخ جهانگشای نادری اشاره کرد. از استادان دوره افشار می‌توان

به محمدعلی بیگ، ابدال بیگ، داوود نقاش، محمدرضا هندی و هادی نقاش اشاره کرد (حاج سید جوادی، ۱۳۸۰: ۳۴).



عکس شماره ۱: اثر استاد محمدعلی بیگ در دوره قاجار (منبع: سایت اصفهان سیتی)



عکس شماره ۲: اثر استاد ابدال بیگ در دوره قاجار (منبع: www.iranantig.com)



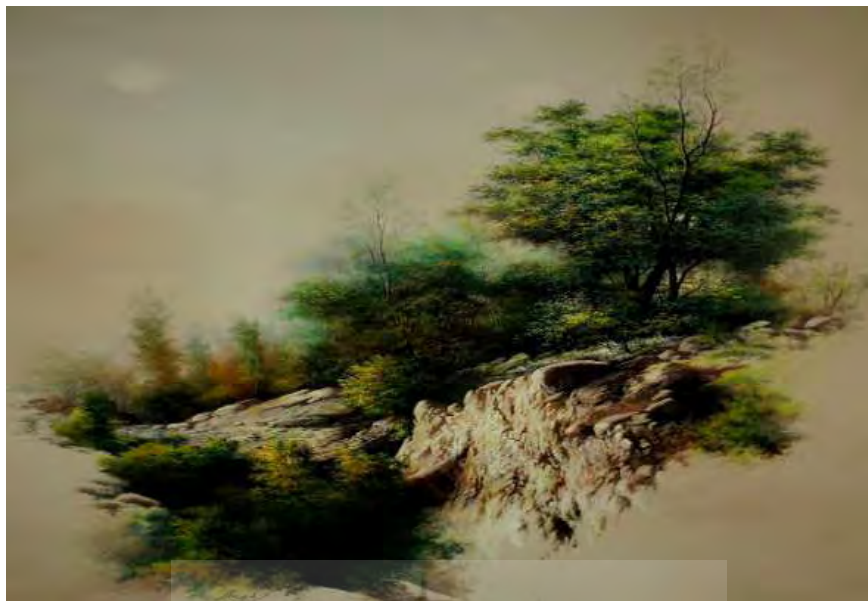
عکس شماره ۳: اثر استاد داوود نقاش در دوره قاجار (منبع: www.tandismag.com)



عکس شماره ۴: اثر استاد محمدرضا هندی درد رهقاجار (منبع: سایت تابناک)



عکس شماره ۵: اثر استاد هادی نقاش در دوره قاجار (منبع: www.azizihonar.com)



عکس شماره ۶: اثر استاد هادی نقاش در دوره قاجار (منبع: www.azizihonar.com)

نقاشی دوران زند که خود ادامه‌دهنده سنت فرنگی‌سازی صفوی بود، با مختصر تغییری به دوره قاجار انتقال یافت. می‌توان گفت که مکتب موسوم به «قاجاری» در واقع از دوره کریم‌خان زند آغاز شد. در زمان فتحعلی‌شاه، شرایط برای تجدید حیات هنر درباری مناسب بود. شاه قاجار شماری از برجسته‌ترین هنرمندان را در پایتخت (تهران) گرد آورد، و آن‌ها را به کار نقاشی پرده‌های بزرگ اندازه برای نصب در کاخ‌های نو ساخته گماشت (پاکباز، ۱۳۸۵: ۱۵). نقاشی دوره قاجار که از اول قرن نوزدهم میلادی شروع می‌شود و تا اوائل قرن بیستم ادامه می‌یابد را می‌توان به دو دوره کلی تقسیم کرد: از آغاز تا اواخر سلطنت ناصرالدین‌شاه که نقاشان در این دوره مواردی از نقاشی خارجی را که به مذاقشان خوش می‌آمد، انتخاب و آن را در سنت خود ادغام کردند که تلفیق شیوه‌های نو و کهنه منجر به شیوه نقاشی متمایزی شد که کاملاً ایرانی بود؛ و دوره دوم مقارن با سلطنت ناصرالدین‌شاه و پس از او که در این دوره روز به روز محدودیت هنر درباری آشکارتر و محسوس‌تر می‌شد و نقاشی رسمی و کلاسیک نیازهای فرهنگی و هنری زمان را برآورده نمی‌کرد. نگارگری قاجاری در این دوره نقاشی روی بوم رواج یافت. نقاشی‌ها بسیار متأثر از نقاشی غربی بودند. پرتره کشیدن خاصه بسیار مورد توجه قرار گرفت. تنها از فتحعلی‌شاه تعداد بیست پرتره باقی مانده است. یک شیوه دیگر نقاشی هم برای تزیین قلمدان، قاب آئینه، جعبه آرایش و دیگر اشیای تزئینی به کار رفت که نقاشی زیرلاکی نامیده شد. در این شیوه نقاشی را با لایه‌ای از ورنی می‌پوشانند. نوع دیگر نقاشی این دوران گل و مرغ‌سازی است که در اواخر صفویه آغاز شد و در دوره قاجار رواج یافت. از چهره‌های مهم‌تر نقاشی دوران قاجار می‌توانیم به صنیع‌الدوله (ابوالحسن خان غفاری)، کمال‌الملک (محمد غفاری) و محمودخان ملک‌الشعرا (صبا) اشاره کنیم. از آثار صنیع‌الملک می‌توانیم به نگارگری هزار و یک شب، ۱۸ نگاره لیلی و مجنون و نقاشی‌های روزنامه دولت علیه ایران اشاره کنیم (ذکرگو، ۱۳۸۲: ۴۵). در آثار کمال‌الملک نیز تالار آئینه، فالگیر بغدادی و غروب

شمیران از همه مهم‌تر هستند. از آثار محمودخان ملک‌الشعرا هم می‌توانیم به تابلوی استتخا اشاره کنیم. ابوتراب غفاری و میرزا موسی از نقاشان دیگر این دوره‌اند (همان، ص ۴۷).

۶. سبک نقاشی و معماری قاجار

سبک معماری دوره قاجار، تحت تأثیر فرهنگ هند، چین، اروپایی و اسلامی بود. این سبک معماری با استفاده از سنگ‌های قیمتی مانند مرمر، سنگ سفید تراورتن و سنگ آهک ساخته شده بود و با طرح‌های هنری زیبا و نقش‌های دیواری پوشیده شده بود. عمارت‌های قاجار، به دلیل زیبایی و شکوهی که داشتند، بسیار بزرگ و باشکوه بودند. این عمارت‌ها دارای سقف‌های بلند، درب‌های چوبی بزرگ و پنجره‌های زیبا و بزرگ بودند. همچنین، در داخل عمارت‌ها، از طرح‌های هنری زیبا و نقش‌های دیواری استفاده شده بود که باعث شده بود که این عمارت‌ها به یک موزه هنر تبدیل شوند. سبک معماری دوره قاجار، همچنین از طرح‌های هنری و زیبایی در فضاهای خارجی نیز استفاده می‌کرد. باغ‌های بزرگ با درختان بلند و چشمگیر، فواره‌های زیبا و استخرهای بزرگ، از جمله ویژگی‌های این سبک معماری بودند. به طور کلی، سبک معماری دوره قاجار، با استفاده از سنگ‌های قیمتی و طرح‌های هنری زیبا، عمارت‌های بزرگ و باشکوهی را ساخت که به عنوان موزه‌ها و جاذبه‌های گردشگری مهم در ایران شناخته می‌شوند. «سبک» هر دوره به طور عام روشی مشترک است که بر اجرای آثار هنری آن مقطع زمانی با اصول واحد و درک مشترک زیبایی شناختی حاکم است. آثار نقاشی و به طور کلی آثار هنری دوره قاجار هم از این قاعده منفک نیست. از آنجا که جریان‌های هنری ایران و کشورهای شرقی را معمولاً به حکومت همان دوره نسبت می‌دهند، مجموع آثار خلق شده در دوره قاجار اعم از معماری، نقاشی، موسیقی، نگارگری، تذهیب و غیره را به قاجار نسبت داده‌اند. آثار هنری این دوره را «سبک قاجار» نامیده‌اند. در حقیقت تکوین آثار دوره قاجار بر اساس میزان درک از زیبایی در آن دوره بوده است. هنرمند قاجار بخشی از این زیبایی را با رؤیت آثار اروپاییان درک کرد، و همین امر دلیل خلق برخی آثار به شیوه آنان است. این شیوه از زمان صفویه در ایران مرسوم شد و «فرنگی‌سازی» نام گرفت (جلالی جعفری، ۱۳۸۲: ۴۳).



عکس شماره ۷: نقاشی دختر قاجار اثر گیتا احمدی (منبع: www.azizihonar.com)



عکس شماره ۸: اثر استاد هادی نقاش در دوره قاجار (منبع: www.azizihonar.com)



عکس شماره ۹: تابلوی نقاشی قاجاری اثر ملیحه نوروزی (منبع www.rangberang.com)

هنرمند نقاش دوره قاجاریه با مکاشفه‌ای هنری کل تجربیات سنتی و مدرن زمان خود را به نمایش می‌گذارد. پس از انقراض سلطنت صفویان، سبکی منسجم و مکتبی متشکل در نقاشی ایران پدید می‌آید که با توجه به ویژگی‌های موضوعی و کاربردی نقاشی‌ها، عنوان «پیکرنگاری درباری» را برای این مکتب مناسب می‌دانم. عمده مشخصات این سبک عبارت‌اند از: ترکیب‌بندی متقارن و ایستا با عناصر افقی و عمودی و منحنی؛ سایه‌پردازی مختصر در چهره و جامه؛ تلفیق نقش مایه‌های تزئینی و تصویری، و رنگ‌گزینی محدود با تسلط رنگ‌های گرم به خصوص قرمز. این سبک کمابیش تا آغاز سلطنت ناصرالدین‌شاه باقی است. پیکرنگاری درباری نمایانگر اوج هم‌آمیزی سنت‌های ایرانی و اروپایی است در یک قالب پالایش‌یافته و شکوهمند. به سخن دیگر، این مکتبی است که در آن روش‌های طبیعت‌پردازی، چکیده‌نگاری و آذین‌گری به طرز درخشان با هم سازگار شده‌اند. در این مکتب، پیکر انسان اهمیت اساسی دارد؛ ولی به رغم بهره‌گیری از اسلوب برجسته‌نمایی، همواره شبیه‌سازی فدای میثاق‌های زیبایی استعاری و جلال و وقار ظاهری می‌شود. غالباً، شاه، شاهزادگان و رامشگران درباری تنها در برابر ارسی یا پنجره‌ای که پرده‌اش به کنار جمع شده است، قرار گرفته‌اند. مردان با ریش بلند و سیاه، کمر باریک، و نگاه خیره در حالی که دستی بر شال کمر و دست دیگری بر قبضه خنجر دارند، نمایانده شده‌اند. و زنان با چهره بیضی، ابروان پیوسته، چشمان سرمه کشیده و انگشتان حنا بسته در حالتی مخمور به تصویر درآمده‌اند همگی در جامگان زربافت و مروارید نشان، و غرق در جواهر و زینت‌ها تجسم یافته‌اند. سریر، تاج، کلاه، سلاح، قالیچه، مخده و جز اینها نیز سراسر نقش‌دار و فاخر هستند. به طور کلی، افراد بیشتر به واسطه اشیاء معرفی می‌شوند و کوششی برای نمایش

خصوصیات روانی آنها مشهود نیست. اشیای فرعی چون صراحی و جام، میوه و گلدان و غیره، فضای دوبعدی تصویر را پر می‌کنند. در برخی پرده‌ها چشم‌اندازی از طبیعت یا معماری در پس زمینه به چشم می‌خورد (پاکباز، ۱۳۸۵: ۱۵۱). دوره دوم نقاشی قاجار که مقارن با سلطنت ناصرالدین‌شاه و بعد از آن است. تماس ایران با اروپا روزبه‌روز بیشتر و گسترده‌تر شد. از طرف دیگر به علت سیاست استعماری دولت‌های غربی به ویژه روس و انگلیس سرنوشت ایران با سیاست کشورهای دیگر آمیخته می‌شود (گودرزی، ۱۳۸۴: ۷۵). در چنین شرایطی نقاشی رسمی و کلاسیک نیازهای فرهنگی و هنری زمان را برآورده نمی‌کرد. روزبه‌روز محدودیت هنر درباری آشکارتر و محسوس‌تر می‌شد. همان‌طور که در زمینه سیاست و اجتماع روز روش‌های قبلی در تنگنا قرار گرفته بود، هنر هم باید راهی پیدا می‌کرد و خود را نجات می‌داد و گرنه در پستیویی که در آن گیر افتاده بود خفه می‌شد. از طرف دیگر اجتماع ایران هنوز چنان تحولی پیدا نکرده بود که هنر، مستقیماً مخاطبان و خریداران خود را پیدا کند. هنوز ساخت اجتماع ایران دست نخورده باقی مانده و به طور عمده هم چنان دربار و محافل اشرافی خواستار هنر و پشتیبان هنرمندان هستند. این است که در ضمن تحول، هنر تصویری روی هم رفته مثل گذشته وابسته به دربار باقی می‌ماند. منتها کمابیش هم توجهی به زندگی اجتماعی در آن راه می‌یابد و هم جستجوی شیوه بیان رساتری آغاز می‌شود. دوران طولانی سلطنت ناصرالدین‌شاه (۱۳۱۳-۱۲۶۴ هجری) نسبتاً دوران امن و آرامی بود و امکان پرداختن به امور هنری و تجمل ذوقی برای درباریان، شاهزادگان و اشراف و ثروتمندان تا حدی وجود داشت. خود شاه هم از ذوق بی‌بهره نبود. مجموعه این عوامل سبب شد که هنر و صنایع ظریف رونق پیدا کند. در این زمان صنعت چاپ که پیشتر وارد ایران شده بود، رواج می‌یافت. درباریان و اعیان و اشراف ایران به پیروی از سرمشق‌های اروپایی خود از روی خودنمایی و چشم و هم‌چشمی به نقاشی علاقه نشان می‌دادند، احتیاج پیدا کرده بودند که نتیجه عملی آن رونق کار تصویرگران بود. در چنین محیط فرهنگی و اجتماعی و با رقابت شاهزادگان و طبقات ممتاز شهرهایی چون تهران، اصفهان، تبریز یا شیراز در جلب هنرمندان، طبعاً گل و بوته‌سازی، نقش پرندگان روی قلمدان، قاب آئینه، جلد قرآن و کتاب‌های خطی رونقی بیش از گذشته گرفت (همان، ص ۷۸).

۷. موضوعات نقاشی دوره قاجار

موضوع در آثار نقاشی این دوره را می‌توان به چند گروه مجزا تقسیم کرد: منظره‌سازی، شمایل‌نگاری، صحنه‌های رزم و بزم، رقص و حرکات موزون، بندبازی و موضوعاتی که با شعر و ادبیات فارسی پیوند دارند. به جز هنر، در کوچه و بازار نیز به طراحی چهره می‌پرداختند. برخی از آثار نقاشی این دوره با تأثیر از عوالم عرفانی نقش بسته‌اند (پوپ، ۱۳۷۷: ۱۴۹).

نام سبک	ویژگی و کاربرد	آثار	هنرمندان سبک
شمایل کشی	کشیدن شمایل بدون نقاب با محاسن سیاه	شمایل علی و حسنین منسوب به بیوک احمدی	اسماعیل جلایر
چهره نگاری	پرداختن به جزئیات چهره- نصب در اماکن رسمی	نقش چهره در حالت نشسته، روی صندلی، ایستاده، تمام قد- تصاویر پادشاهان و وزرای قاجار	لطفعلی شیرازی
میناتور (شبیه سازی)	کشیدن تصاویر در کتب	تصویرهای کتاب هزارویک شب	صنیع الملک
نقاشی گل و بوته	نقاشی روی دیوار، کاشی کاری‌ها، نقوش قالی و سایر هنرهای صناعی ایرانی	آثار روغنی روی جلد کتب کتابخانه سلطنتی	علی اکبر خان مزین الدوله
نقاشی گل و مرغ	ترکیب گیاهان و پرندگان در نقاشی و ترسیم گیاهان به شکل طرح‌های هندسی	قلمدان شیخ صنعان و دختر ترسا- قاب آینه گل و مرغ	علی اشرف- آقا لطفعلی شیرازی
نقاشی لاک	شاخه‌ای از نگارگری و زمینه را برای رهایی هنرمند از تکرار ملال‌آور تصویرسازی برای اشعار شاعران کهن که طبیعتاً مستلزم به مصورساختن آن‌ها بود را فراهم می‌کرد	قلمدان‌های اهدایی به پادشاهان- انواع جعبه‌ها، قاب‌ها و آینه‌ها	محمد اسماعیل اصفهانی- سید میرزا
نقاشی پشت شیشه	نقاشی پشت یا روی شیشه	تک‌چهره‌های عالی از فتح‌علی شاه و پسرانش در پشت شیشه	مهر علی
نقاشی قهوه‌خانه‌ای (خیالی سازی)	نقاشی داستان و روایت‌ها به روی پرده‌ها و نمایش آن‌ها در قهوه‌خانه‌ها	تابلوی سقای کربلا- تابلوی یوسف و زلیخا	حسین قولر آغاشی- محمد مدبر

(منبع: نگارنده ۱۳۹۷)



عکس شماره ۱۰: نقاشی گل و مرغ (منبع: www.honarnews.com)



عکس شماره ۱۱: نقاشی گل و مرغ روی ظروف (منبع: www.honarnaghsh.ir)



عکس شماره ۱۲: نمونه‌ای از نقاشی لاک‌ی (منبع: www.kare1.ir)

در عصر قاجار، موضوعات معماری بسیار گسترده بودند و شامل موارد زیر می‌شد:

۱. عمارت‌های شاهان: در دوره قاجار، شاهان به ساخت عمارت‌های بزرگ و باشکوه علاقه داشتند. این عمارت‌ها به عنوان نماد قدرت و ثروت شاهان، بسیار بزرگ و باشکوه بودند.
۲. مساجد و حرم‌ها: در دوره قاجار، ساخت مساجد و حرم‌های بزرگ و باشکوه، به عنوان نماد ایمان و دینداری مردم، بسیار مهم بود.
۳. بناهای تاریخی: در دوره قاجار، ساخت بناهای تاریخی مانند قلعه‌ها، باغ‌های تاریخی و اماکن تاریخی دیگر، بسیار مورد توجه قرار گرفت.
۴. خانه‌های مردم: در دوره قاجار، ساخت خانه‌های مردم نیز به عنوان یکی از موضوعات معماری مهم بود. این خانه‌ها، بر اساس سبک معماری قاجاری ساخته شده بودند و دارای طرح‌های هنری و نقش‌های دیواری زیبا بودند.
۵. بناهای شهری: در دوره قاجار، ساخت بناهای شهری مانند بازارها، کاروانسراها و باغ‌های عمومی، به عنوان موضوعات معماری مهم شناخته می‌شد.
۶. بناهای صنعتی: در دوره قاجار، ساخت بناهای صنعتی مانند کارخانجات نیز به عنوان یکی از موضوعات معماری در نظر گرفته می‌شد.

به طور کلی، در دوره قاجار، موضوعات معماری بسیار گسترده بودند و شامل عمارت‌های شاهان، مساجد و حرم‌ها، بناهای تاریخی، خانه‌های مردم، بناهای شهری و بناهای صنعتی بودند.

۸. نتیجه گیری

عناصر و فرم‌ها معمولاً در نقاشی‌های قاجار از قالب‌های خشکی تشکیل یافته‌اند. اما از آنجا که کلیت تصویر به همین شیوه طراحی شده هماهنگی خوبی در اجزا از خود نشان می‌دهند. در آثار قاجار کمتر فضای منفعل دیده می‌شود، چرا که هنرمند با قرار دادن فرم‌های خاص در زمینه یا پس‌زمینه توانسته یک نظام منسجم فرمی بیافریند. از جانب دیگر رنگ‌های محصور شده در فرم‌های متنوع عاملی دیگر جهت پیوند فرم‌ها توسط رنگ می‌باشد. به نظر می‌رسد که آثار این دوران کمتر مورد توجه منتقدین قرار گرفته باشند. اما به لحاظ زیبایی‌شناسی باید خاطر نشان ساخت که آثار این دوران علی‌رغم برخورداری از نفوذ جریانات اروپایی باز معیارهای سنتی ایرانی را در خود حفظ کرده‌اند تا جایی که آن نقاشی‌ها به خاطر حفظ خصلت‌ها و ارزش‌های برگرفته از سنت‌های نگارگری ایرانی از یک‌سو و برقراری ارتباطات فرمی هماهنگ، منسجم و یکپارچه از سوی دیگر، نمونه‌هایی ارزشمند و شاهکارهایی بی‌نظیر از نقاشی ایران شمرده می‌شوند.

با توجه به مطالعه نقاشی و معماری در عصر قاجار، می‌توان نتیجه گرفت که این دوره از نظر هنری و معماری، بسیار پربار و باشکوه بود. هنرمندان و معماران این دوره، با استفاده از تکنیک‌های پیشرفته و ایده‌های خلاق، آثاری بسیار زیبا و با ارزش خلق کردند که تا به امروز همچنان مورد توجه و تحسین قرار دارند. با توجه به پرورش ذوق عامه در عصر قاجار، می‌توان گفت که هنر و معماری در این دوره، به عنوان یکی از عوامل مهم در پرورش ذوق و احساس هنری مردم، بسیار مؤثر بود. با ساخت آثار هنری و معماری زیبا و باشکوه، مردم به دنبال دیدن و شناختن هنر و زیبایی، به این عرصه‌ها جذب شدند و در نتیجه، ذوق و احساس هنری آن‌ها پرورش یافت. بنابراین، می‌توان گفت که پرورش ذوق عامه در عصر قاجار، با توجه به توسعه هنر و معماری در این دوره، بسیار موفق بوده است و این امر به دلیل زیبایی و باشکوهی آثار هنری و معماری، همچنین جذابیت و جاذبه این عرصه‌ها برای مردم بود.

منابع

- اتینگهاوزن، ر (۱۳۷۹). «اوج‌های درخشان هنر ایران». ترجمه عرب علی پاکباز. انتشارات آگاه. تهران.
- آغداشلو، آیدین (۱۳۷۱). «از خوشی‌ها و حسرت‌ها». انتشارات بی‌نا. تهران.
- پاکباز، رویین (۱۳۷۹). «نقاشی ایران از دیروز تا امروز». نشر نارستان. تهران.
- پوپ، آرتور (۱۳۷۷). «سیروصور نقاشی ایران». ترجمه یعقوب آژند. انتشارات هرمی. تهران.
- تاجبخش، احمد (۱۳۸۰). «فرهنگ و هنر دوره قاجار». انتشارات نوید شیراز. شیراز.
- جلالی جعفری، بهنام (۱۳۸۲). «نقاشی قاجاریه (نقد زیباشناسی)». انتشارات کاوش قلم. چاپ اول. تهران.
- جمشیدی، حاتم (۱۳۷۸). «مقاله نگاهی به نقاشی قاجار».
- حاج سید جوادی، سید محسن (۱۳۸۷). «هنرهای دوره قاجاریه». نشر نارستان. تهران.
- ذکرگو، امیرحسین (۱۳۸۲). «سیر هنر در تاریخ». انتشارات مدرسه. تهران.
- زکی، محمد حسن (۱۳۷۲). «تاریخ نقاشی در ایران». ترجمه: ابوالقاسم سحاب. انتشارات سحاب. چاپ چهارم. تهران.
- شایسته، علی نقی (۱۳۸۰). «نقد فرمالیستی نقاشی‌های قاجار».
- گودرزی، مرتضی (۱۳۸۴). «تاریخ نقاشی ایران». انتشارات سمت. تهران.
- مکسوب، شاهرخ (۱۳۷۸). «درباره تاریخ نقاشی قاجار». انتشارات کاوش قلم. تهران.
- میربها، ابوالفضل (۱۳۵۰). «شرح حال استاد بهزاد». اداره کل نگارش و فرهنگ هنر. تهران.
- میرمیران، هادی (۱۳۸۶). «روزنامه ایران».
- وزیری، علینقی (۱۳۶۹). «تاریخ عمومی هنرهای مصور». انتشارات هیرمند. چاپ دوم، تهران.



Cultivating public taste in the Qajar era (Case study of painting and architecture in this era)

Seyedeh Hoda Pourmani¹

Received: 03 February 2025

Accepted: 10 March 2025

Abstract

This article examines the impact of art and architecture on the cultivation of public taste during the Qajar era. During this period, art and architecture played a special role as two essential elements in shaping the public taste and preferences of society. The present research focuses on the unique artistic and architectural characteristics of the Qajar period, introducing prominent elements that influenced the formation of people's taste and preferences. The question this research seeks to answer is how the art and architecture of the Qajar era, through reflecting cultural and social concepts, impacted the public taste of the people. The artistic and architectural works of this period were not only effective in cultivating public taste but also played a significant role in attracting tourists and drawing attention to the cultural beauties of the country. Architecture during this period experienced remarkable advancements, with buildings featuring beautiful and magnificent designs that are still considered symbols of the art and taste of that era. The present research is of an applied nature and has examined this topic using a descriptive-analytical method, with the collection of materials conducted through library resources.

Key words: Qajar era, art, architecture, painting, popular taste.

¹- PhD student in the history of Iran after Islam, Islamic Azad University of Sciences and Research. Email: hpourmani@yahoo.com.